

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: دومینکو لوسوردو  
برگردان از: خ. طه‌وری  
فرستنده: علی مشرف  
۰۶ جنوری ۲۰۲۰



## وقتی نیروهای چپ در صحنه نیستند... - ۱۵

۶. تهران در سال ۱۹۵۳ و در سال ۲۰۰۹: یک کودتای موفق و یک کودتای نافرجام

در همان روزهایی که سازمان‌های جاسوسی غرب پیروزی خویش را در بلغراد جشن گرفته بودند، روزنامه له‌موند دیپلماتیک گزارشی در مورد کودتای سیا در سال ۱۹۵۳ در ایران که با همکاری سازمان جاسوسی انگلیس سازماندهی و اجراء شده بود، منتشر نمود.

روز ۴ اپریل ۱۹۵۳ «ایستگاه سیا در تهران یک میلیون دالر دریافت کرد که برای سرنگونی مصدق به هر طریق، منظور شده بود»، البته حتی‌الامکان به طوری که به نظر، «قانونی» جلوه کند. گام‌های اولیه کودتا فوراً برداشته شد. قبل از هر چیز لازم بود از فساد و ارتشاء وسیع و گسترده استفاده شود: «در اواخر ماه مه ۱۹۵۳ ایستگاه سیا اجازه یافت هفته‌ای ۱۱ هزار دالر هزینه کند تا نمایندگان پارلمانی را به سوی خود جلب نماید»؛ مقادیر معتدبه‌ی پول نیز در اختیار «رهبران مذهبی» قرار داده شد. در این مقطع «سازوکار رسانه‌ی علیه مصدق» نیز آغاز شد که چون با «اقدامات مخفی» و سوءقصد هائی ترکیب شده بود که به چپ‌ها منسوب می‌گردید تا به جو ناامنی دامن زده شود و سرگشتگی بین مردم را تشدید کند، کارا تر شد. خلاصه این‌که پایه‌های اجتماعی که دولت مصدق به آن تکیه داشت با تظاهرات خیابانی خشونت‌آمیزی که نهایتاً به اشغال «فرستنده رادیویی و نهادهای کلیدی دیگر» منجر شد، از هم فروپاشید. (گناه دولت مصدق این بود که منافع شرکت‌های نفتی انگلیس-امریکائی را به خطر افکنده بود). بنا بر تعریفی که در گزارش سازمان سیا آمده بود،

تظاهراتی که در سال ۱۹۵۳ در ایران صورت گرفت «نیمه خودجوش» بود. به عکس روزنامه اینترنتی هلال در ۴۷ سال بعد در رابطه با «شورش» علیه میلوسویچ از «خودجوشی سازمان یافته» سخن می‌گفت. ما اینجا با یک فن‌آوری آزمایش شده کودتا روبه‌رو هستیم.

ولی اکنون بیانیید وقایع سال ۱۹۵۳ را با وقایعی که ۵۶ سال بعد (هر دو) در ایران رخ داد، با هم مقایسه کنیم. انتخابات ریاست جمهوری روز ۱۲ جون ۲۰۰۹ نتایجی را که واشنگتن و بروکسل به آن امید بسته بودند، به دنبال نداشت و در نتیجه فوراً تهمت «تقلب در انتخابات» مطرح گردید. فردی که این اتهامات را بی‌پایه اعلام کرد و مسخره‌ناמיד از جمله رئیس‌جمهور برزیل لولا بود. حتی واشنگتن پست نوشت که هیچ مدرک معتبری برای فرضیه تقلب در انتخابات وجود ندارد و لذا همه شواهد دال بر این است که «پیروزی روشن» احمدی‌نژاد واقعی است. در واقع پیش‌بینی‌هایی که شب قبل از انتخابات از سوی آژانس خبری رویترز منتشر شد نسبت به آرای شمرده شده برتری به مراتب بیش‌تری را وعده می‌داد.

ولی اکثریت غالب رسانه‌ها توجه خود را به ویژه معطوف سیاستمداران بزرگ غرب و قبل از همه سیاستمداران امریکائی و انگلیس می‌کردند، یعنی به سیاستمدارانی اعتماد می‌کردند که برای فراهم آوردن مقدمات جنگ دوم خلیج در رابطه با سلاح‌های کشتار توده‌ئی آماده صدام حسین و قیحانه دروغ گفتند. به دنبال آن یک سازوکار هیستریک رسانه‌ئی آغاز شد که نامزد انتخاباتی و حزبی را که در ایران شکست خورده بود تحریک و تهییج و بسیج نمود و آن‌ها خواستار تجدید انتخابات و یا دقیق‌تر بگوئیم: خواستار «تصحیح» نتایج انتخابات صورت گرفته شدند.

در نتیجه این یک کودتا بود که با بی‌پروائی و ابزار و امکانات همیشگی آماده شده بود. تنها چیز جدید و جالب توجه انتقال گرانیگاه از ارگان‌های رسانه‌ئی سنتی روی رسانه‌های نوین بود: «گروهی از کارشناسان، که وزارت امور خارجه آماده کرده بود، دست‌اندر کار بود تا اجتماع بلاگرهای ایرانی را مورد بررسی قرار دهد.» برای بی‌ثبات کردن کشور خصم ماشین جنگی بخوبی روغن‌کاری شده بود و هیچ‌کس اجازه نداشت حتی ناخودآگاه مانعی بر سر راه آن قرار دهد. در لحظه مشخصی «یک مقام بلندپایه وزارت امور خارجه ایمیلی به مسؤول تویتر فرستاد و از او خواست که زمان در نظر گرفته شده برای نگهداری و تعمیر سایت را که در آن لحظه اصلاً مناسب نبود و به اعتراضات در ایران لطمه وارد می‌کرد، به تعویق اندازد»، این درخواست فوراً مورد قبول واقع شد و سرانجام مقدور شد تا «ایران با باند وسیع مورد بمباران قرار گیرد.» در بین تصاویری که انتشار یافت تا تروریسم خشم و برافروختگی را برانگیزد تصویر آن زن کنشگر جوان که «مجروح و از ریخت افتاده و به قتل رسیده بود که به شهید قهرمان جنبش تبدیل شد.» البته این مورد هم مانند خیلی چیزهای دیگر تقلبی از آب درآمد ولی باز مانند بسیاری از چیزهای دیگر با توجه فوق‌العاده‌ای روبه‌رو شد. از طرف دیگر نامزد شکست‌خورده ریاست جمهوری، میرحسین موسوی که خود به گروه‌های رهبری انقلاب ایران تعلق داشت، از طرف رسانه‌های غربی به عنوان «گاندی ایرانی» معرفی شد و مورد ستایش قرار گرفت. و از طریق بیان مزورانه این درگیری به اوج خود رسید.

برای آماده ساختن و اجرای کودتا که باید تغییر رژیم را به دنبال می‌داشت و سلطه کامل غرب را در خاورمیانه تأمین می‌نمود، از هیچ اقدامی کوتاهی نشد ولی بخت با برنامه‌ریزان واشنگتن همراه نبود. حافظه تاریخی برای آن‌ها نقش زیاد مثبتی ایفاء نمی‌کرد: شک و تردید مردم ایران زیاد بود، زیرا همین دو کشور (امریکا و انگلیس) که خود را قهرمان دمکراسی معرفی می‌کنند بودند که در سال ۱۹۵۳ در صف اول، دمکراسی را در ایران زیر لگد نابود کردند و دیکتاتوری بی‌رحمانه شاه را برقرار کردند.

برای مطالعه این اثر ارزنده به این نشانی مراجعه کنید:

<http://www.edalat.org/ketabkhaneh/VaqtiNirouhayehChapDarSahnehNistand.pdf>